



فایق آمدن بر تهدیدات در سایه تقویت تاب آوری اجتماعی



مصطفی قرنیان کارشناس سیاسی

یک واقعیت غیر قابل انکار در بارهٔ مجموع شرایط کشور آن است که اگرچه جنگ به پایان رسیده است، تهدیدهای دشمنان هنوز ادامه داشته و بنابراین، مجموعه قوا و دستگاه‌های کشور باید برای مواجهه هوشمندانه و قدرتمندانه با این شرایط، بیش از پیش آمادگی‌های خود را تقویت کنند. در رأس این قوا و دستگاه‌ها هم به‌طور طبیعی، عمده رسالت متوجه دولت و دستگاه‌های اجرایی است، زیرا ماهیت رسالت و وظایف آنها به‌گونه‌ای است که بیش از سایر دستگاه‌ها با مدیریت جامعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرو کار دارند. اهمیت این مهم نیز باید سبب است که در شرایط تشدید تهدیدها، آنچه بیش از هر متغیر و حوزه دیگری تعیین‌کننده نتیجه است، توانایی در مدیریت شرایط اجتماعی و ارتقای ضریب تاب‌آوری اجتماعی در برابر تهدیدهای باشد. بر این اساس، به موازات تقویت توانایی‌های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی، توانایی‌ها در مدیریت شرایط اجتماعی کشور به‌منظور تقویت تاب‌آوری اجتماعی در شرایط تصاعد تهدیدها هم باید تقویت شود. برای این منظور، گزاره‌ها و راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. حفظ همبستگی و انسجام ملی: انسجام ایجاد شده در برابر دشمن و پیرامون حفظ وطن و نظام و حمایت از نیروهای مسلح باید محفوظ مانده و حتی تقویت شود. در این زمینه، از هر موضعی که سبب انشقاق در انسجام ملی می‌شود، باید به‌طور جدی پرهیز شود. یک الزام مهم در این زمینه، مراقبت جریان‌های سیاسی از عدم‌میدان داری طیف‌ها و نیروهای رادیکالی است که همواره با مواضع خود، بیش از وحدت و انسجام، اختلاف ایجاد کرده‌اند.

۲. حفظ آرامش و امنیت روانی جامعه: از آرامش و امنیت روانی جامعه در این روزها باید مراقبت شود. انتشار برخی اخبار یا برجسته‌سازی برخی مشکلات که ماهیت عام داشته و فرد خاصی هم در ایجاد آنها مقصر نیست مانند خشکسالی و لزوم مدیریت مصرف آب و برق، اگرچه برای آگاه‌سازی مردم از واقعیت فضای و لزوم هم‌راسازی آنها برای مدیریت وضع موجود ضروری است، اما در این زمینه‌ها باید ظرافت‌های لازم به‌گونه‌ای رعایت شود که موجب نگرانی و ترس مردم نشود. در همین زمینه قابل ذکر است که اگرچه در جریان گذاشتن مردم در این قبیل امور ضرورت دارد، اما در کنار بیان مشکلات، دستگاه‌های مسئول باید تلاش کنند تا با رومانی از ابتکارات و طرح‌های کارشناسی خود و همچنین، توضیح اقداماتی که تاکنون برای مدیریت تحولات مختلف به‌ویژه در بعد اقتصادی و مدیریت وضعیت انرژی در کشور انجام داده‌اند، امید و اعتماد را در فضای جامعه زنده نگه دارند و موجب شکل‌گیری احساس رهاشدگی و بی‌مدریتی از سوی دولت نزد افکار عمومی نشوند. قابل ذکر است که نوع مدیریت دولت به‌ویژه در بعد اقتصادی به‌گونه‌ای بود که کمبودی در بازار ایجاد نشد و حال در شرایط کنونی نیز باید آن نوع مدیریت تداوم داشته باشد.

۳. اتخاذ مواضع عزتمندانه، هوشمندانه و حکیمانه در برابر دشمنان: در این زمینه، از اتخاذ موضعی که ممکن است تصور ضعیف بودن ایران را برای دشمن ایجاد کند، باید پرهیز شود و به‌ویژه در نشست و برخواست با دشمنان به هیچ وجه نباید به عنوان طرف ضعیف ظاهر شد. دیپلمات‌ها و مقامات سیاسی باید بر مواضع و حقوق مسلم ایران تأکید داشته باشند، همانند تأکیدهایی که رئیس‌جمهور محترم وزیر خارجه کشورمان بر عدم‌عقب‌نشینی از حق غنی‌سازی اورانیوم در ایران دارند و در عین حال، با هوشمندی و حکمت باید عملیات رسانه‌ای دشمنان و همچنین، فشارهای سیاسی آنها را خنثی کنند.

۴. تکریم نیروهای مسلح و تبیین نقش بر جسته آنها: اگرچه دشمن در سالیان اخیر با جنگ شناختی در تلاش بود تا به تخریب نیروهای مسلح و توانایی‌های دفاعی آنها بپردازد، اما در گذر اخیر اهمیت نیروهای مسلح، توانایی‌ها و فداکاری‌های آنها در دفاع و حفظ کبان کشور بیش از پیش روشن شد. اکنون باید ضمن تکریم جایگاه رفیع فرزندان ملت در نیروهای مسلح، فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های آنها مورد توجه قرار گیرد و به نحو شایسته‌ای از تلاش‌های آنها به صورت مداوم تقدیر شود.

در عین حال، برنامه‌ریزی به‌منظور تأمین استقلال کشور در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، با توجه به تأثیری که ضعف‌ها در این حوزه در جنگ‌های داشت، و همچنین تسهیل امور روزمره مردم در دستگاه دیوانی ضروری به نظر می‌رسد.

روایات

وجوه تمایز این جنگ تمدنی

■ ادامه از صفحه یک

این رژیم بدون هیچ محدودیتی به فناوری‌های فوق‌پیشرفته نظامی امریکا دسترس انحصاری دارد. بهرغم عدم عضویت در NPT، اسرائیل تحت حمایت کامل امریکا به توسعه و حفظ زرادخانه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد. در عرصه سیاسی، امریکا با وتوی ۴۶ قطعنامه شورای امنیت که محکوم‌کننده جنایات رژیم‌صهیونیستی بوده‌اند، به گونه امکان‌باز خواست حقوقی بین‌المللی این رژیم را مسدود ساخته است. حتی دیوان کیفری بین‌المللی نیز تحت‌فشار دیپلماتیک سنگین امریکا و متحان غربی‌اش، تاکنون نتوانسته رهبران صهیونیست را به خاطر جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های فلسطینی محاکمه کند. حال ممکن است برخی بپرسند ما کی می‌گیرند، چرا پیشدستانه به آنها حمله نکردیم تا با روش خودشان، مانع از جنگ‌طلبی‌شان شویم. باید تأکید کرد که این دیدگاه، جاافتد بنیادین‌در ماهیت تمدنی دو طرف را نادیده می‌گیرد. البته می‌دانیم که با توجه به ماهیت اشغالگر رژیم صهیونی، هر گونه اقدام در برابر این رژیم از نوع دفاعی تلقی می‌شود، اما روارویی ما با این رژیم، صرفاً یک نبرد سیاسی یا امنیتی نیست؛ این یک نبرد تمدنی تمام‌عیار است؛ نبردی میان تمدن اسلامی – ایرانی، با هویتی انسانی و وحیانی، و تمدن جعلی غرب‌زده‌ای که از اصول اخلاقی و انسانی تهی شده است. جمهوری اسلامی ایران با تمام توان از سرزمین و منافع ملی و اسلامی خود دفاع کرد، اما هرگز از نبرد غیرانسانی دشمن پیروی ننمود. پیروزی نهایی ایران در این نبرد سرنشو‌ساز، دوگانه و تاریخی بود؛ نخست، پیروزی نظامی و راهبردی؛ و دوم، پیروزی اخلاقی و تمدنی، رفتار جنگ‌طلبانه و اشغالگرانه رژیم‌صهیونیستی، ریشه در بحران هویت، ضعف جغرافیایی و ترس و جودی دارد. در نقطه مقابل، ایران با تکیه بر تمدنی زرف، فرهنگ پرشکوهِ مقاومت و منطق نورانی فراتی، در مواجهه با تهدیدات، رویکردی کاملاً دفاعی، حکیمانه و مبتنی بر کرامت انسانی را پیش گرفت. جمهوری اسلامی ایران نه تنها از کیان و تمامیت ارضی خود به شکلی قهرمانانه دفاع نمود، بلکه به جهانیان اثبات کرد که می‌توان حتی در سخت‌ترین شرایط نبرد، انسانی، اخلاق‌محور و مطابق با تعالیم انبیای الهی رفتار کرد. جهان شاهد بود که تمدن اصیل اسلامی – ایرانی چگونه می‌تواند از دل آتش و خون جنگ، صدای عدالت، حکمت و انسانیت را به گوش بشریت برساند و برچم عزت و شرافت را برافرازد.



۴ خبریک

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سراسر داران با کفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای کشور توسط رژیم خبیث و جنایتکار صهیونی، پیامی صادر کردند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم ملت سرافراز ایران! چهل‌مین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان عزیزمان، که در میان آنان سرداران با کفایت نظامی و دانشمندان برجسته‌های بودند، فرا رسید. این ضربه را گروه حاکم خبیث و جنایتکار صهیونی که دشمن ردل و عنود ملت ایران است وارد آورد. بی‌شک فقدان فرماندهانی چون شهیدان باقری و سلامی و رشید و حاجی‌زاده و شادمانی و دیگر

۴ خبر

نظامیان و دانشمندی چون شهیدان طهرانچی و عباسی و دیگر دانشمندان، برای هر ملتی سنگین است. اما دشمن ابله و کوتبه‌بن به هدف خود نرسید. آینده نشان خواهد داد که هر دو حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر از گذشته به سمت افق‌های بلند پیش خواهد رفت‌ان‌شاءالله. شهیدان ما خود راهی را برگزیده بودند که گمان دستیابی به مرثیه والای شهادت در آن کم نبود و سرانجام به آنچه آرزوی همه فداکاران است رسیدند؛ بر آنان گوارا باد؛ اما ناگوار ی آن برای ملت ایران به‌ویژه خانواده‌های شهیدان و به ویژه کسانی که آنان را از نزدیک می‌شناختند سخت و تلخ و سنگین است. در این حادثه نقاط درخشانی را نیز به روشنی می‌توان دید. اولاً تحمل و صبوری و استحکام روحیه بازماندگان که در نوع خود جز

پیام رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان سرداران با کفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای کشور

«اتحاد در میدان» معجزه ملت ایران بود

در تحولات جمهوری اسلامی ایران دیده نشده است. ثانیاً استقامت و ثبات دستگاه‌های زیر امر شهیدان، که نگذاشتند این ضربه سنگین، فرصت‌ها را اسلب و در حرکت آنان وقفه ایجاد کند، و ثالثاً شکوای پایداری معجزه‌آسای ملت ایران که در اتحاد و استحکام روحی و عزم راسخ آنان بر ایستادگی یکپارچه در میدان به ظهور رسید. شهیدان ما خود راهی را برگزیده بودند که گمان دستیابی به مرثیه والای شهادت در آن کم نبود و سرانجام به آنچه آرزوی همه فداکاران است رسیدند؛ بر آنان گوارا باد؛ اما ناگوار ی آن برای ملت ایران به‌ویژه خانواده‌های شهیدان و به ویژه کسانی که آنان را از نزدیک می‌شناختند سخت و تلخ و سنگین است. در این حادثه نقاط درخشانی را نیز به روشنی می‌توان دید. اولاً تحمل و صبوری و استحکام روحیه بازماندگان که در نوع خود جز

جمعه‌های خشم این هفته سراسر کشور، فریاد مرگ بر اسرائیل بود

نقشه راه ایران برای نجات غزه از خیابان تادیلماسی



علی حامد قدوسیات ایرانا

در شرایطی که مردم مظلوم و بی‌پناه غزه به محاصره‌ای بی‌رحمانه، کمبود شدید دارو و غذا و حملات بی‌دردی رژیم صهیونیستی دست و پنجه نرم می‌کنند، ملت مسلمان ایران با حضور گسترده و پرشور در راهپیمایی سراسری «جمعه‌های خشم و نصر» یک‌بار دیگر صدای مظلومیت را در جهان طنین‌انداز کردند و نشان دادند که در برابر این جنایات خاموش نخواهند نشست. این راهپیمایی سراسری که در سراسر کشور و بلافاصله پس از اقامه نماز جمعه برگزار شد، با حضور پررنگ اقشار مختلف مردم از زن و مرد، پیر و جوان، دانش‌آموز و دانشجو، کارگر و کارمند، روحانیون، بسیجیان، فعالان اجتماعی و فرهنگی همه‌ا بود. مردم با در دست داشتن پرچم فلسطین، پلاکاردهای حمایت از مقاومت، و شعارهایی همچون «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر امریکا»، «غزه تنها نیست» و «ما هلال کوفه نیستیم علی‌رغم تهدیدات»، نفرت عمیق خود را از جنایات رژیم اشغالگر قدس ابراز داشتند. راهپیمایی روز جمعه تنها نمایش همبستگی نبود، بلکه بازتاب یک نگاه راهبردی، انسانی و مسئولانه از سوی ملتی بود که مسئله فلسطین را نه تنها مسئله‌ای اسلامی بلکه یک مطالبه جهانی برای عدالت می‌داند.

■ **پاسخی به جنایتی بی‌صدا**

در روزگاری که تصاویر پیکرهای بی‌جان کودکان، محاصرهای بی‌رحمانه، کمبود شدید دارو و غذا و حملات بی‌دردی رژیم صهیونیستی دست و پنجه نرم می‌کنند، ملت مسلمان ایران با حضور گسترده و پرشور در راهپیمایی سراسری «جمعه‌های خشم و نصر» یک‌بار دیگر صدای مظلومیت را در جهان طنین‌انداز کردند و نشان دادند که در برابر این جنایات خاموش نخواهند نشست. این راهپیمایی سراسری که در سراسر کشور و بلافاصله پس از اقامه نماز جمعه برگزار شد، با حضور پررنگ اقشار مختلف مردم از زن و مرد، پیر و جوان، دانش‌آموز و دانشجو، کارگر و کارمند، روحانیون، بسیجیان، فعالان اجتماعی و فرهنگی همه‌ا بود. مردم با در دست داشتن پرچم فلسطین، پلاکاردهای حمایت از مقاومت، و شعارهایی همچون «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر امریکا»، «غزه تنها نیست» و «ما هلال کوفه نیستیم علی‌رغم تهدیدات»، نفرت عمیق خود را از جنایات رژیم اشغالگر قدس ابراز داشتند. راهپیمایی روز جمعه تنها نمایش همبستگی نبود، بلکه بازتاب یک نگاه راهبردی، انسانی و مسئولانه از سوی ملتی بود که مسئله فلسطین را نه تنها مسئله‌ای اسلامی بلکه یک مطالبه جهانی برای عدالت می‌داند.

نوزادان سوخته در آتش بمب، و مادرانی که عزیزان‌شان را در آغوش گرفته و دای می‌کنند، از غزه مجاریه می‌شود. بسیاری از دولت‌ها نهادهای جهانی یا در سکوت کامل فرو رفته‌اند یا با استانداردهای دوگانه، جنایت را توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر با زبان مردمت، با فریادهای خشم‌آلود ملت، و با تصویب قطعنامه‌ای دهفتمین، راه‌حل‌های واقعی برای شکستن این سکوت برگزار ارائه داد. در پایان راهپیمایی، قطعنامه‌ای راهبردی و عملیاتی صادر شد که صرفاً فاین احسابات نبود، بلکه دربردارنده پیشنهادهای جدی و ملموس برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، به‌ویژه در نوار غزه و فشار بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن بود.

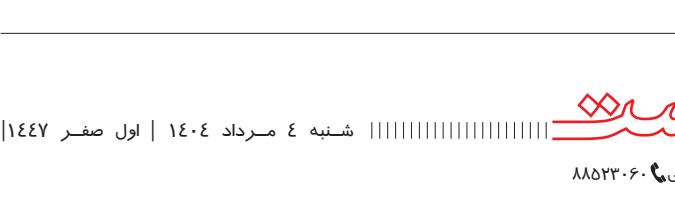
■ **قطعنامه‌ای برای اقدام، فراتر از شعار**

در بند نخست این قطعنامه، خواستار شکل‌گیری یک جبهه رسانه‌ای بین‌المللی برای شکستن محاصره غزه و بحران فلسطین، پلاکاردهای حمایت از مقاومت، و شعارهایی همچون «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر امریکا»، «غزه تنها نیست» و «ما هلال کوفه نیستیم علی‌رغم تهدیدات»، نفرت عمیق خود را از جنایات رژیم اشغالگر قدس ابراز داشتند. راهپیمایی روز جمعه تنها نمایش همبستگی نبود، بلکه بازتاب یک نگاه راهبردی، انسانی و مسئولانه از سوی ملتی بود که مسئله فلسطین را نه تنها مسئله‌ای اسلامی بلکه یک مطالبه جهانی برای عدالت می‌داند.

نوزادان سوخته در آتش بمب، و مادرانی که عزیزان‌شان را در آغوش گرفته و دای می‌کنند، از غزه مجاریه می‌شود. بسیاری از دولت‌ها نهادهای جهانی یا در سکوت کامل فرو رفته‌اند یا با استانداردهای دوگانه، جنایت را توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر با زبان مردمت، با فریادهای خشم‌آلود ملت، و با تصویب قطعنامه‌ای دهفتمین، راه‌حل‌های واقعی برای شکستن این سکوت برگزار ارائه داد. در پایان راهپیمایی، قطعنامه‌ای راهبردی و عملیاتی صادر شد که صرفاً فاین احسابات نبود، بلکه دربردارنده پیشنهادهای جدی و ملموس برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، به‌ویژه در نوار غزه و فشار بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن بود.

نوزادان سوخته در آتش بمب، و مادرانی که عزیزان‌شان را در آغوش گرفته و دای می‌کنند، از غزه مجاریه می‌شود. بسیاری از دولت‌ها نهادهای جهانی یا در سکوت کامل فرو رفته‌اند یا با استانداردهای دوگانه، جنایت را توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر با زبان مردمت، با فریادهای خشم‌آلود ملت، و با تصویب قطعنامه‌ای دهفتمین، راه‌حل‌های واقعی برای شکستن این سکوت برگزار ارائه داد. در پایان راهپیمایی، قطعنامه‌ای راهبردی و عملیاتی صادر شد که صرفاً فاین احسابات نبود، بلکه دربردارنده پیشنهادهای جدی و ملموس برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، به‌ویژه در نوار غزه و فشار بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن بود.

نوزادان سوخته در آتش بمب، و مادرانی که عزیزان‌شان را در آغوش گرفته و دای می‌کنند، از غزه مجاریه می‌شود. بسیاری از دولت‌ها نهادهای جهانی یا در سکوت کامل فرو رفته‌اند یا با استانداردهای دوگانه، جنایت را توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر با زبان مردمت، با فریادهای خشم‌آلود ملت، و با تصویب قطعنامه‌ای دهفتمین، راه‌حل‌های واقعی برای شکستن این سکوت برگزار ارائه داد. در پایان راهپیمایی، قطعنامه‌ای راهبردی و عملیاتی صادر شد که صرفاً فاین احسابات نبود، بلکه دربردارنده پیشنهادهای جدی و ملموس برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، به‌ویژه در نوار غزه و فشار بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن بود.



نخبگان علمی است. حفظ عزت و آبروی کشور و ملت، تکلیف بی‌افغاص گویندگان و قلم‌زنان است. منجز کردن روزافزون کشور با ابزارهای حراست از امنیت و استقلال ملی، و وظیفه فر ماندندان نظامی است. جدیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور وظیفه همه دستگاه‌های مسئول اجرایی است. هدایت معنوی و نورانی کردن دل‌ها و توصیه به صبر و سسکینه و ثبات مردمی وظیفه حضرات روحانی است. و حفظ شور و شوق و شعور انقلابی وظیفه یکایک ما و به ویژه جوانان است. خدای عزیز رحیم همگان را موفق بسدard. درود بر ملت ایران و سلام بر جوانان شهید، بر بانوان و کودکان شهید، و بر همه شهیدان و داغداران آنان. والسلام علیکم ورحمهالله سیدعلی خامنه‌ای۳ مرداد/۱۴۰۴

یک پیام مشترک وجود داشت: «ما سکوت نخواهیم کرد.» برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی، حضور در خیابان فقط ادای وظیفه‌ای سیاسی نبود، بلکه نوعی فریضه انسانی بود. صدها نفر از داوطلبان مردمی، گروه‌های دانشجویی، هیئت‌های مذهبی، روحانیون محلی و حتی هنرمندان محلی، در قالب گروه‌های اطلاع‌رسانی، پخش پرشور، و اجرای برنامه‌های فرهنگی تلاش کردند تا پیام غزه را به گوش همگان برسانند. در شهرهای مختلف کشور از تهران تا تبریز، از اهواز تا مشهد، از بندرعباس تا سنج، مردم با فرهنگ‌های گوناگون، با دل‌هایی واحد، زیر پرچم حمایت از مقاومت گرد آمدند.

■ **ابعاد فراملی راهپیمایی، صدای غزه در جهان**

راهپیمایی «جمعه‌های خشم و نصر» تنها یک حرکت ملی نبود. با پوشش رسانه‌ای مناسب، بازتاب وسیع آن در رسانه‌های بین‌المللی و فضای مجازی، این حرکت در دنیف بزرگ‌ترین واکنش‌های مردمی برای نسبت به جنایات جاری در غزه قرار گرفت. بسیاری از فعالان بین‌المللی در پی‌های خود را مردم ایران بابت عدم بی‌تفاوتی، و «پیشگامی در دفاع از مظلوم» تشکر کردند. از سوی دیگر، این راهپیمایی می‌تواند به‌الگوی عملی برای ملت‌های دیگر تبدیل شود، الگویی که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از ظرفیت مردمی، فرهنگی، دیپلماسی و رسانه‌ای برای مقابله با یک جنایت خاموش بهره‌برد.

■ **غزه تنها نیست، فقط یک شعار نیست**

آنچه بر تارک راهپیمایی روز جمعه می‌درخشید، نه فقط حضور میلیونی مردم، که صداقت در همدلی و اراده در حمایت از مظلومان بود. ملت ایران، در سایه آزادان و انقلاب اسلامی و با الهام از آموزه‌های ماندگار شهیدان، روز شش‌سازان (علما) برای انتقال پیام مقاومت، و فعال‌سازی بسترهای قانونی برای مشارکت مردم و دانشجویان در فعالیت‌های میدانی و مجازی اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های قطعنامه، دعوت به تحریم گسترده شرکت‌های همکار با رژیم صهیونیستی است. در این بند، وزارت صحت، اتاق بازرگانی و رسانه‌ها مأوریت یافتند که با شفاف‌سازی اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی ر یک نهضت عمومی تحریم را شکل دهند.

■ **مردم، پیش‌قراوان حمایت انسانی**

در میان شعارها، دست‌نوشته‌ها و سخنان مردمی، این گونه‌ا مظلومین دفاع کردید. رئیس‌مجلس اظهار داشت: در دوران جنگ تحمیلی ۸ ساله، آتش مؤثر ما بیش از ۱۵ کیلومتر نبود اما تأثیر فرمانده معظم کل قوا، جواد ایمیان رزمندگان ما را به‌جایی رسانده که در تحریم چند دهه‌ای هستیم اما با تلاش نیروهای جوان و خلاق ما به این حداز پیشرفت رسیدیم.ا قلیلیاف تصریح کرد: اگر با یک‌دیگر پیوسته بود و وحدت‌مان را عمق بخشیم، پیروزی همیشه با ما خواهد بود. سازمان هوافضا را به‌عنوان سازمانی می‌بینیم که الگوی «ما می‌توانیم» در جمهوری اسلامی ایران است. ما در جمع پنج قدرت بزرگ دنیا هستیم و فرصت‌های بزرگی پیش روی ماست. شاید حجب زاده بعد از وعده صادق ۲۰ می‌من فردوز را بر طرف کرده

چندماه دیگر به‌من فرصت بدهد که ما به‌لکه اندازه چنددهه رشد خواهد کرد. امروز نیز می‌گویم که این مسیر باید با قدرت ادامه یابد.

رئیس‌مجلس عنوان کرد: رهبر انقلاب درباره فضایی اخیر گفت: مردموند نه‌زیر بار جنگ تحمیلی می‌رویم و نه‌زیر بار صلح تحمیلی. ما مردم میدان عمل را گفتگو به قدرت این مسیر را پیش خواهیم برد. این راه باید برای اقتصاد، فرهنگ، سیاست، فراوری و علم ما هم باشد؛ این مهم به تمام معنا خود را در هوافضا نشان داده است. اگر مشکلی در کشور داریم به این علت بوده که با این بورها ایستادگی نکردیم.ا قلیلیاف یادآور شد: وحدت ملی یک‌المانت الهی است و باید محافظت شود و باید از این فرصت‌ها استفاده کرد تا ضعف‌های اقتصادی، فرهنگی و سایر سطوح را بر طرف کرده و به رشد تبدیل کنیم.

■ **به شهید باقری عمر خود را صرف بنای مستحکم نیروهای مسلح کرد**

عصر پنج‌شنبه همچنین مراسم چهلمین روز شهادت شهید محمد باقری و همسر و دختر ایشان با حضور رؤسای مجلس و ستاد کل نیروهای مسلح برگزار شد. در این مراسم محمدباقر قلیلیاف رئیس مجلس شورای اسلامی، امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، امیر سرلشکر قیصر حاتم‌ی فرمانده کل ارتش، سردار اسماعیل قانی فرمانده نیروی قدس سپاه، حسین سیمایی صراف وزیر علوم، سرلشکر محمد راکپور فرمانده کل سپاه و نماینده ولی فقیه در سپاه حضور داشتند. فرمانده کل ارتش، در حاشیه این مراسم گفت: شهادت شهید باقری پیامی برای مردم دنیا است و این دشمنان ما دارد. امروز در مراسم سردار عزیزی شرکت کردیم که شخصیتی بی‌دارد بود. کارهای بسیار بزرگی را در نیروهای مسلح انجام داد. این انسان متفکر، عالم، اندیشمند و مدیر و مدبر، آثار ماندگاری از خود به جا گذاشته است، کارهایی که او برای تقویت نیروهای مسلح اعم از سپاه و ارتش انجام داد، همواره در یادها خواهد ماند. امیر حاتم‌ی گفت: ما قدردان زحمات شهیدای عزیزمان هستیم و این مراسم نشان‌دهنده این است که شهاد زنده‌اند و ما ادامه‌دهنده ارشان خواهیم بود.

سردار احمد وحیدی مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران در حاشیه این مراسم گفت: شهید باقری عمرش در راه دفاع از کشور و بنای یک‌بنای مستحکم در نیروهای مسلح صرف کرد. او در دفاع مقدس و بعد از آن نقش بسیار برجسته‌ای داشت و توانست یک یاد ماندگاری از خودش برای ملت ما به جا بگذارد. وی افزود: امروز ما به یاد این شهید بزرگوار پیمان ببندیم که ارهاشان را ادامه دهیم.

حجت‌الاسلام خسروبنامدیر شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در حاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران گفت: همه شهیدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه درس زیست مقاومت را به ما یاد دادند. مردم عزیزمان با همین درس مقاومت از رهبری در مقابل استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی حمایت کردند و محکم، همدل، متحد و منسجم ایستادند و توانستند این پیروزی را به ار مغنا بیاورند. وی افزود: انسجام ملی که مردم عزیزمان داشتند بسیار درس آموز بود و تلاش کنیم ملات و استمرار پیدا کند.



امیر رضا علملی

آخرین میوه تلخ

تاریخ دیپلماسی بین‌الملل صحنه‌های نمایش تراژدی کم ندارد؛ نمایشی که بازیگران آن گاه با نقاب دوستی، خنجر خیانت را پنهان می‌کنند. برجام نیز یکی از همین صحنه‌های عبرت‌آموز بود؛ توافقی که از ابتدا نه بر اساس محاسباتی پایدار، که بر پایه اعتمادی کاذب شکل گرفت. امروز، با تهدید غرب به فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، آخرین پرده این نمایش به صحنه می‌آید. اما این پایان ماجرا نیست، بلکه آغاز فصل جدیدی از بیداری است. برجام، همچون نهال نوبا در خاک سیاست ایران کاشته شد، با این وعده که شاخه‌هایش سایه صلح و میوه‌هایش طعم رفاه را به ار مغنا آورد. اما در گذر زمان، این نهال که با امیدهای بلند آبیاری شده بود، به درختی بدل شد که ریشه‌هایش در سراب اعتماد به غرب فرو رفت و میوه‌هایش، نه شیرین، بلکه تلخ و مسموم از کار درآمند. در تابستان اسمال، ملت ایران به‌نظاره این باغ نشسته‌اند که جز خار و خس، تجاوز و افزایش تعدی ثمری برایشان به یاد نیاورد؛ باره‌ای که محصول میوه‌های سنگین‌گرش و ترورهای بی‌رحمانه بود. تلخی این میوه را کودکان، همسران و بهترین مردان این سرزمین به جان خریدند. مدعیان برجام با شعار «بگذارید این درخت میوه بدهد»، فضایی از امیدواری کاذب را ایجاد کردند، اما واقعیت خیلی زود خود را نشان داد. اولین میوه این توافقی، خروج محصله‌های سنگین‌گرش بود که ایران احترام می‌گذارد. پس از آن، ناکارآمدی مکانیسم اینستکس برای دور زدن تحریم‌ها، عقب‌افتادگی برنامه هسته‌ای ایران، تشدید تحریم‌ها و حملات نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای کشور نشان داد که غرب نه تنها متعهد نبوده، بلکه از هر فرصتی برای افزایش فشار استفاده کرد.

اکنون، اروپا چونان حاکمی که شمشیر را بالای سر محکوم اوخته، با تهدید به فعال‌سازی «مکانیزم ماشه»، سایه‌پوش تحریم‌های سازمان ملل را دوباره بر ایران افکنده است. این تهدید، در حالی است که ایران، در میدان دیپلماسی به تعهدش پایبند بود، اما غرب همانند بازگانی که جنس بنجل می‌فرشد، از پیمان‌شکنی ابایی ندارد. مکلیزم ماشه، آخرین میوه تلخ این درخت، نشان می‌دهد که برجام به جای سپر خود به چاقایی در دست دشمن بدل شده است.

حالا در آستانه پایان عمر برجام، غرب با تهدید به فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» می‌خواهد آخرین ضربه را وارد کند. این مکلیزم در واقع ابزاری است که از ابتدا در دل برجام کار گذاشته شد تا در صورت نیاز، تمام تحریم‌های شورای امنیت یک‌جا بازگردد. این یعنی نه تنها غربی‌ها به تعهدات خود عمل نکردند، بلکه قصد دارند با یک تصمیم یکجانبه، ایران را تحت‌شدیدترین فشار قرار دهند.

برجام به‌ما اموتخا که اعتماد به غرب، خطایی راهبردی است. تاریخ نشان داده که غرب فقط به منافع خود می‌اندشید و هر توافقی را در لحظه مناسب زیر پا خواهد گذاشت. درس بعدی این است که قدرت چانه‌زنی، در گرو اقتدار داخلی است. آنجا که اقتصاد مقاومتی و پیشرفت علمی وجود داشته باشد، دشمن جرئت تحریم و تهدید را نخواهد داشت. بند دیگر این است که دیپلماسی بدون پشتوانه مقاومت، محکوم به شکست است. برجام زمانی می‌توانست موفق باشد که ایران از موضع قدرت وارد مذاکره می‌شد که بحمدالله راهبرد امروز نظام، رود با دست پر در میدان دیپلماسی و میدان نظامی است. امروز، ایران باید با تکیه بر چند اصل، مسیر جدیدی را در پیش بگیرد. اصل تقویت اقتصاد درون‌زا، به معنای کاهش وابستگی به نفت و توسعه صنایع دانش‌بنیان، اهرم فشار دشمن را بی‌اثر می‌کند. اصل بعدی افزایش قدرت بازدارندگی است. هرچه توان دفاعی و هسته‌ای ایران بیشتر باشد، دشمن کمتر جرئت تهدید خواهد داشت. اصل دیگر دیپلماسی هوشمندانه است؛ مذاکره نه‌از موضع ضعف، که از موضع قدرت و با تعیین خطوط قرمز روشن می‌تواند اهداف راهبردی کشور را محقق سازد.

برجام به یکی از بزرگ‌ترین ناکامی‌های سیاست خارجی ایران تبدیل شده. اما این پایان ماجرا نیست. آنچه باقی می‌ماند تجربه‌ای گران‌بهاست که ثابت می‌کند، راه سعادت ملت ایران، نه در اتکا به دشمنان، که در اعتماد به توان داخلی و مقاومت است. آخرین میوه برجام، شاید تلخ باشد، اما بذره‌ای امید که امروز در خاک این سرزمین کاشته می‌شود، فردایی روشن را نوید می‌دهد.



بدرام پاک آیین

«الف» قامت دوست

در گذشت مبارز صدیق و مجاهد خستگی ناپذیر، دکتر احمد توکلی اندوهبار است. ارتباط من با او به دوران مسئولیت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نامه بر مهر و برمعنایی که از وی دریافت کردم، بازمی‌گردد. نامه‌ای که بر پیشانی اش این نقش بسته بود: «لا یکلف الله نفسا الا ما اتاها»، در ادامه به مضمون حدیث «فعلی عقی» می‌رسد.

رفتار احترام‌آمیز و فروتنانه مدیر مسئول «الف» باالف بچه‌سی و یکی دو ساله‌ای که در آغاز دهه ۹۰ مسئولیت مطبوعات داخلی را به عهده داشت، برای روزهای هم درس و هم مایه شرمساری است. احمد توکلی افزون بر فعالیت‌های سیاسی، در عرصه رسانه، چه‌رای اثرگذار به‌شمار می‌آمد. او بنیانگذار روزنامه «سالت» در دهه ۶۰ و مؤسس روزنامه «فراد» در اواسط دهه ۷۰ بود که با وجود دوره کوتاه انتشار، سبکی نو در روزنامه نگاری تحلیلی پیدا آورد؛ شعار تبلیغاتی روزنامه پیش از انتشار این بود: «فراد روز دیگری است». فردا روزنامه‌ای برای نخبگان بود، بدون آگهی، بدون صفحه ورزشی و حوادث، تماماً سپاه و سفید که به جای عکس، از کاریکاتورها و تصاویر گرافیکی استفاده می‌کرد. به جای نقل‌خبر از خبرگزاری‌ها تقریباً همه اخبارش اختصاصی بودند. از کاربرد القابی چون دکتر و مهندس برای مسئولان احترام می‌جست. اولین رسانه ایرانی بود عدا از انقلاب بود که با شش‌گویی کاخ سفید و وزای خارجه چند کشور مصاحبه اختصاصی کرد. از مواضع «صولی» که گرد کشور، از اسلام و عصر ما تا کیهان و اطلاعات و رسالت را در بر می‌گرفت. رده‌بندی زیر روزنامه را علیرضا میرزاپاش و دبیری گروه سیاسی آن راهمیدی فضایی به عهده داشت. اقدام ارزشمند مؤسسان «فراد» کارسازی پیش از تأسیس این روزنامه بود. در دانشگاه‌های تهران از دانش‌جویانی که مایل به همکاری بودند، دعوتی عام و فراگیر صورت گرفت. سپس، کلاس‌های فشرده اصول روزنامه نگاری، گزارش‌نویز و پرایش و تاریخ معاصر با حضور استادانی چون حسین قندی، هادی خانیکی و بونس شکرخواه که بعضاً با احمد توکلی، همفکری سیاسی نیز نداشتند، برگزار شد.

این دانشجویان پیکر، نیروی انسانی روزنامه را تشکیل دادند. پایگاه‌های «الف»، دیگر میراث معنوی احمد توکلی است که رسانه‌ای نکته‌بردار برای نخبگان سیاسی به‌شمار می‌آید «الف» نخستین پایگاه‌های خبری ایرانی بود که مسیر تعامل برخط با مخاطبان را برگزید و اجازه داد تا مخاطبان ذیل هر مطلب اظهار نظر کنند. احمد توکلی در سال‌های پایانی روز خود را بیشترین نامه روزنامه را به‌گذاشته به مقامات یا مقامین انتقادی به‌ویژه مبارزه با فساد بود و اکنون که از میان ما رفته، می‌توان مجموعه‌ای از این نامه‌ها را در کتبی با عنوان «سرگذاشته» به طبع رساند. جایگاه او در نظام جمهوری اسلامی و مسئولیت‌هایی که نشان از حرمت و مکنات در چشم نخبگان و مردم داشت، هر که نتوانست در تواضع یا زیست ساده و رها‌دلانه او کمترین خشخشی وارد آورد. نوع مبارزه احمد توکلی با فساد که به تأسیس سازمان مردم‌نهاد «دیده‌ان شفافیت» انجامید، عدالت‌اندیش بود، نه «قلات‌اندیش». چراکه فسادبستیزی را سیاسی نمی‌کرد و آن را برای برای حرف حق راندیش می‌ساخت. احمد آقا گره را در اواخر عمر به دلیل کسالتی که بر او عارض شده بود، بسیاری از دوستان و دوستداران خود را به‌راموشی سپرد، اما تاریخ انقلاب و جامعه رسانه‌ای همواره خاطره را پاک و یادو هرگرمزمانش را زنده نگاه خواهد داشت.